

**The epistemological foundations of spiritual education in the realization of a civilizing university Based on the thought of the Imams of the Islamic Revolution**Mohammad Nabizadeh¹ | Saeed Beheshti² | Irandokht Fayaz³ | Ahmad Salahshoori⁴

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.64.8.7

Abstract

Spiritual education, as one of the basic approaches to education in human life, plays a key role in improving the quality of individual, social and civilizational life. In the university environment, this type of education is also of particular importance, because spiritual education can help to cultivate moral and spiritual aspects along with scientific growth. The purpose of this research was to explain the foundations of epistemology of spiritual education based on the thought of the Imams of the Islamic Revolution, which used the method of Content analysis, and the method of data collection was in the form of library and documents, referring to first-hand sources, and the content obtained It was compiled by using books and also software that collected the sayings of Imam Khomeini (RA) and Imam Khamenei. The findings showed that the epistemological foundations of spiritual education in the realization of a civilization-building university are: The nature of knowledge, the limits of the truth of knowledge, the possibility of acquiring knowledge, The need to acquire knowledge, the means of acquiring knowledge (reason, heart, revelation, tradition, sense), the criteria of knowledge including the usefulness and depth of knowledge; these epistemological foundations can help universities play more active roles in shaping and advancing the modern Islamic civilization.

Keywords: Education spiritual education Civilizing University epistemological foundations Imams of the Islamic Revolution

1. Corresponding Author: Imam Hossein University, Cultural and Social Faculty, Training and Education. Email: kpnabizd@ihu.ac.ir
2. Professor, Department of Philosophy of Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
3. Associate Professor, Department of Philosophy of Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
4. Associate Professor, Department of Philosophy of Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Cite this Paper: Nabizadeh, M & Beheshti, S & Fayaz, A & Salahshoori, A. (2024). The epistemological foundations of spiritual education in the realization of a civilizing university Based on the thought of the Imams of the Islamic Revolution. **Publisher:** Imam Hussein University **Authors**

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



بحث في قضايا التربية الإسلامية

الأسس المعرفية للتربية الروحية في تحقيق الجامعة الحضارية انطلاقاً

من فكر أئمة الثورة الإسلامية

محمد نبي زاده¹ | سعيد بهشتي² | ايراندخت فياض³ | احمد سلحشوري⁴

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.64.8.7



رقم
٦٤

المجلد ٣٢

الخریف ١٤٤٦

ورقة البحث

تاريخ الاستلام: ١٤٤٦/٢/١٤

تاريخ المراجعة: ١٤٤٦/٥/١٠

تاريخ القبول: ١٤٤٦/٤/١٩

تاريخ النشر: ١٤٤٦/٥/٢١

ISSN: 2251-6972
E- ISSN: 2645-5196



الملخص

تلعب التربية الروحية، باعتبارها أحد المناهج الأساسية للتربية في حياة الإنسان، دوراً أساسياً في تحسين نوعية الحياة الفردية والاجتماعية والحضارية. وفي البيئة الجامعية، يحظى هذا النوع من التعليم أيضاً بأهمية خاصة، لأن التعليم الروحي يمكن أن يساعد في تنمية الجوانب الأخلاقية والروحية إلى جانب النمو العلمي. هدف هذا البحث إلى بيان أسس نظرية المعرفة في التربية الروحية المبنية على فكر أئمة الثورة الإسلامية، والتي استخدمت منهج تحليل المحتوى، وكانت طريقة جمع البيانات على شكل مكتبة و الوثائق، التي تشير إلى مصادر مباشرة، والمحتوى الذي تم الحصول عليه تم تجميعه باستخدام الكتب وأيضاً البرامج التي جمعت أقوال الإمام الخميني (رضي الله عنه) والإمام الخامنئي. وأظهرت النتائج أن الأسس المعرفية للتربية الروحية في تحقيق جامعة بناء حضارى هي: إن طبيعة المعرفة، وحدود حقيقة المعرفة، وإمكانية الحصول عليها، الحاجة إلى اكتساب المعرفة، ووسائل الحصول عليها (العقل، والقلب، والوحي، والنقل، والحس)، ومعايير المعرفة بما في ذلك فائدة المعرفة وعمقها؛ هذه الأسس المعرفية يمكن أن تساعد الجامعات على لعب أدوار أكثر نشاطاً في تشكيل وتقديم الحضارة الإسلامية الحديثة.

الكلمات المفتاحية: التربية، التربية الروحية، الجامعة الحضارية، الأسس المعرفية، أئمة الثورة الإسلامية.

١. محاضر، كلية الثقافة وإنتاج القوة الناعمة، جامعة الإمام الحسين (ع)، طهران، إيران. Email: kpnabizd@ihu.ac.ir

٢. المؤلف المراسل: أستاذ قسم فلسفة التربية، كلية علم النفس والعلوم التربوية، جامعة العلامة الطباطبائي، طهران، إيران

٣. أستاذ مشارك، قسم فلسفة التربية، كلية علم النفس والعلوم التربوية، جامعة العلامة الطباطبائي، طهران، إيران

٤. أستاذ مشارك، قسم فلسفة التربية، كلية علم النفس والعلوم التربوية، جامعة العلامة الطباطبائي، طهران، إيران

اقتباس: نبي زاده، محمد و بهشتي، سعيد و فياض، ايراندخت و سلحشوري، احمد (١٤٠٣)، الأسس المعرفية للتربية الروحية في تحقيق الجامعة

الحضارية انطلاقاً من فكر أئمة الثورة الإسلامية، ٣٢(٦٣)، ٢٢٥-٢٥٤ : DOR /https://dori.net/dor

الناشر: جامعة الامام الحسين (ع) المؤلفون

هذه المقالة متاحة لك بموجب رخصة المشاع الإبداعي (Creative Commons License- CC BY)





مبانی معرفت شناختی تربیت معنوی در تحقق دانشگاه تمدن ساز

مبتنی بر اندیشه امامین انقلاب اسلامی

محمد نبی زاده^۱ | سعید بهشتی^۲ | ایران‌دخت فیاض^۳ | احمد سلحشوری^۴

چکیده

تربیت معنوی به‌عنوان یکی از رویکردهای اساسی تربیت در زندگی انسان، نقشی کلیدی در ارتقای کیفیت حیات فردی، اجتماعی و تمدنی ایفا می‌کند. در محیط دانشگاهی نیز این نوع تربیت اهمیت ویژه‌ای دارد، چرا که تربیت معنوی می‌تواند به پرورش ابعاد اخلاقی و معنوی در کنار رشد علمی کمک کند. هدف این پژوهش تبیین مبانی معرفت‌شناسی تربیت معنوی مبتنی بر اندیشه امامین انقلاب اسلامی بود که از روش تحلیل محتوا استفاده شد و روش گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی و با مراجعه به منابع دست اول بوده و محتوای به دست آمده با استفاده از کتب و همچنین نرم‌افزارهایی که به جمع‌آوری سخنان امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای پرداخته‌اند گردآوری شد. یافته‌ها نشان داد مبانی معرفت‌شناختی تربیت معنوی در تحقق دانشگاه تمدن‌ساز عبارتند از: چیستی معرفت، مناسبات صدق معرفت، امکان کسب معرفت، ضرورت کسب معرفت، ابزارهای کسب معرفت (عقل، قلب، وحی، سنت، حس)، ملاک‌های معرفت شامل نافع بودن و عمیق بودن معرفت بود؛ که این مبانی معرفتی می‌توانند به دانشگاه‌ها کمک کنند تا نقش‌های فعال‌تری در شکل‌دهی و پیشبرد تمدن نوین اسلامی ایفا کنند.

کلیدواژه‌ها: تربیت، تربیت معنوی، دانشگاه تمدن‌ساز، مبانی معرفت‌شناختی، امامین انقلاب اسلامی.

۱. نویسنده مسئول: مدرس، دانشکده فرهنگی و تولید قدرت نرم، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران

Email: kpnabizd@ihu.ac.ir

۲. استاد، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۳. دانشیار، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. دانشیار، گروه فلسفه

تعلیم و تربیت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

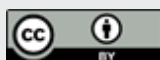
استاد: نبی‌زاده، محمد؛ بهشتی، سعید؛ فیاض، ایران‌دخت؛ سلحشوری، احمد. (۱۴۰۳). مبانی معرفت‌شناختی تربیت معنوی در تحقق دانشگاه

تمدن‌ساز مبتنی بر اندیشه امامین انقلاب اسلامی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۳۲(۶۳)، ۲۵۴-۲۲۵.

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.64.8.7

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) نویسندهگان

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه و بیان مسئله

معنویت و رشد معنوی همواره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است، زیرا انسان در مسیر زندگی خود علاوه بر نیازهای مادی و علمی، به رشد و تعالی درونی و اخلاقی نیز نیازمند است. در طول تاریخ، افراد و جوامع به تدریج بیشتر متوجه شده‌اند که تنها پیشرفت در امور مادی و علمی کافی نیست، بلکه برای رسیدن به زندگی متعادل و سعادت حقیقی، توجه به معنویت و ارزش‌های اخلاقی نیز ضروری است. این آگاهی باعث شده است که توجه به معنویت به صورت روزافزون افزایش یابد، به طوری که امروزه بسیاری از افراد و سازمان‌ها، از جمله نهادهای آموزشی مانند دانشگاه‌ها، به دنبال ایجاد توازن بین آموزش علمی و رشد معنوی هستند تا انسان‌هایی کامل‌تر و مسئول‌تر تربیت کنند. این افزایش توجه به معنویت نشان از درک عمیق‌تری نسبت به نیازهای واقعی انسان برای دستیابی به کمال و رضایت درونی دارد (نبی زاده، ۱۴۰۲: ۴۰). مکتب حیات بخش اسلام بهترین شیوه‌ها و روش‌های تربیتی برای رشد معنوی پیروان خود ارائه داده است که برای کشف و استفاده از آنها می‌بایست به آرا و اندیشه‌های بزرگان دینی در این خصوص مراجعه کرد. در همین راستا حضرت امام خمینی (ره) همواره از تعلیم و تربیت بر مبنای اسلام سخن به میان آورده و فرموده‌اند: تمامی کتب پیامبران در تلاش هستند تا انسان را تربیت کنند، زیرا با تربیت صحیح انسان، جهان اصلاح می‌شود. هیچ موجودی به اندازه انسانی که تربیت نشده است، برای جوامع زیان‌آور نیست؛ نه شیطان و نه هیچ حیوان دیگری چنین ضرری ندارد. به همین شکل، هیچ موجودی مانند فرشته‌ها نیز نمی‌تواند به اندازه انسان تربیت شده برای جامعه مفید باشد. اساس و بنیاد جهان بر تربیت انسان استوار است، و تنها با پرورش انسان‌ها می‌توان به اصلاح و بهبود جامعه دست یافت (خمینی، ۱۳۸۵: جلد ۱۴، ۱۵۳).

امام خامنه‌ای نیز در این خصوص می‌فرماید: در اسلام مسئله جسم و روح توأمند و قابل تفکیک نیستند. اسلام معتقد است که انسان باید جسم و روح را با هم پرورش دهد. پرورش جسم مقدمه پرورش روح است. تمام عبادات و تکالیف شرعی در حقیقت ابزارهای همین ترکیه یا همین تربیت است (خامنه‌ای، ۱۳۹۳). بنابراین تعلیم و تربیت از سیاست‌های بنیادین اسلام و از اهداف زیربنایی انقلاب اسلامی است که در مبانی اندیشه امامین انقلاب اسلامی نمود پیدا کرده است.

مقصود از مباني اندیشه، بررسی نوع شناخت و درک فرد اندیشمند از انسان، جهان و معرفت است که در تحلیل مسائل تربیتی، سیاسی، فرهنگی و دیگر حوزه‌ها تجلی می‌یابد. آنچه به اندیشمند توانایی می‌بخشد تا در استنباط مسائل تربیتی، اجتماعی، فرهنگی و به طور کلی مسائل تمدنی نقش مهمی ایفا کند، نوع نگاه و معرفت‌شناسی اوست. این نوع معرفت‌شناسی است که اساس و پایه‌ای برای تحلیل و درک عمیق‌تر مسائل مختلف فراهم می‌آورد.

بنابراین، با به تصویر کشیدن عمق ارتباط و تأثیر تمدن از مباني معرفت‌شناختی، می‌توان به وضوح نقش اساسی تربیت را در شکل‌دهی به یک تمدن درک کرد. چرا که تربیت، بینش و نگاه انسان به جهان را تغییر می‌دهد و در نهایت، فرهنگ و ارزش‌های خاصی را برای او تعیین می‌کند. در همین راستا، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) تأکید می‌کنند که راه تحقق تمدن، تربیت است: «راه برافراختن پرچم تمدن نوین اسلامی چیست؟ راهش تربیت نسلی است با یک خصوصیتی که آن خصوصیات اینها است؛ یک نسلی باید به وجود بیاید شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیشگام، خودباور، غیور...» (بیانات در دیدار با نخبگان علمی جوان، ۱۳۹۵/۷/۲۸). از سوی دیگر، پاسخ به مسائل مربوط به معرفت‌شناسی در هر جامعه ریشه در پاسخ‌هایی دارد که به مسائل نظام تربیتی و فلسفه حاکم بر آن جامعه داده می‌شود (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲). بر این اساس یکی از مکان‌های که تربیت نسل در آن صورت می‌پذیرد دانشگاه می‌باشد. دانشگاه نه تنها مکانی برای آموزش علمی و تخصصی است، بلکه محیطی است که در آن شخصیت‌ها شکل می‌گیرند و افراد می‌توانند در زمینه‌های مختلف مهارت‌ها و تجربیات ارزشمندی کسب کنند.

از سوی دیگر، دانشگاه‌ها نقش بسیار مهمی در پیشرفت و توسعه تمدن‌ها دارند. آن‌ها به عنوان مراکز دانش، نوآوری، و تفکر نقادی، به پرورش نسل‌هایی می‌پردازند که می‌توانند در ساخت جامعه‌ای پویا و توسعه‌یافته نقش داشته باشند. دانشگاه‌ها با تولید و انتقال دانش، به شکل‌گیری فرهنگ‌ها و بنیان‌های اجتماعی و فرهنگی کمک می‌کنند و در نهایت به ساخت تمدن‌های جدید منجر می‌شوند.

مفهوم دانشگاه تمدن‌ساز، که رویکردی نو و منحصر به فرد در حوزه دانشگاهی است، به معنای استفاده از دانشگاه برای اهداف ویژه‌ای است که به ساخت و تقویت تمدن می‌انجامد. برای درک بهتر این مفهوم، لازم است ابتدا به تعریف دقیق آن پرداخته شود. براساس دیدگاه امامین

انقلاب اسلامی، دانشگاه تمدن‌ساز در نزد ایشان را می‌توان دانشگاهی نامید که اهتمام اصلی خود را دست‌یابی به تمدن نوین اسلامی قرار داده است. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید: «ما چه کار کنیم که از این دانشگاه با این سوابق، با این تاریخ، با این زمینه‌های تاریخی، با این میراث، با این تجربه خوب و آزمون خوبی که دانشگاه در دوران انقلاب داد و با مشکلاتی که در دانشگاه به وجود آمد -همه‌ی اینها را در کنار هم قرار بدهیم- بتوانیم برای ایجاد تمدن نوین اسلامی بهره ببریم؟ چون هدف این است دیگر؛ هدف، ایجاد یک حاکمیت اسلامی است که بتواند جامعه را به جامعه‌ی موردنظر و آرمانی اسلام تبدیل بکند... این دانشگاه چه نقشی می‌تواند ایفا کند برای ایجاد تمدن نوین اسلامی و آن‌چنان جامعه‌ای و آن‌چنان ایرانی؟ روی این باید فکر کنید؛ یعنی همه‌ی کارها را بر این اساس باید قرار بدهید.» (بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۹۴/۸/۲۰). این دیدگاه بر این باور است که دانشگاه نباید تنها به آموزش مهارت‌های تکنیکی و حرفه‌ای پردازد، بلکه باید به تربیت انسان‌هایی پردازد که دارای بینش معنوی عمیقی هستند و می‌توانند در جهت ارتقاء فضائل اخلاقی و معنوی جامعه تأثیرگذار باشند.

در این راستا، امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای بر این موضوع تأکید داشته‌اند که دانشگاه‌ها باید به عنوان مراکزی برای پرورش نیروهای متعهد و مؤمن که قادر به مدیریت جامعه بر اساس ارزش‌های اسلامی هستند، عمل کنند. آنها بر نقش دانشگاه‌ها در پرورش نسلی که به دنبال اصلاح و بهبود شرایط فعلی جامعه و هدایت آن به سمت یک تمدن نوین اسلامی است، تأکید دارند.

تربیت معنوی در این چارچوب، به فراگیران کمک می‌کند تا از نظر روحی و روانی تقویت شوند و مهارت‌های لازم برای مقابله با چالش‌های معنوی و اخلاقی روزمره را کسب کنند. هدف این است که دانشگاه‌ها نه تنها به تولید دانش پردازند، بلکه به تربیت شخصیت‌هایی پردازند که دارای مسئولیت‌پذیری اجتماعی و فردی، همراه با یک بینش معنوی قوی هستند. این تربیت می‌تواند زمینه‌ساز تحقق دانشگاهی باشد که به عنوان موتور محرکه تمدن‌سازی عمل کند.

بنابراین، مسئله این پژوهش بررسی این است که چگونه می‌توان از طریق مبانی معرفت‌شناختی تربیت معنوی در دانشگاه، مسیر رسیدن به تمدن نوین اسلامی را هموار کرد. در این راستا، تربیت معنوی زمانی می‌تواند در تحقق تمدن نقش‌آفرین باشد که مبانی معرفتی آن به‌دقت بررسی شود. به

این ترتیب، لازم است هر مبنای فلسفی همراه با نگرش تربیتی و رویکرد معنوی مرتبط با تمدن مورد تحلیل و واکاوی قرار گیرد. لذا این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سؤال برآمده است که در اندیشه امامین انقلاب اسلامی، مبانی معرفت شناختی تربیت معنوی در تحقق دانشگاه تمدن ساز کدامند؟ بنابراین اندیشه امامین انقلاب اسلامی متأثر از مبانی معرفت شناختی ایشان است که در این مقاله به آن پرداخته شد.

مبانی نظری

معرفت شناسی: معرفت شناسی یا شناخت شناسی برگرفته از دو کلمه «Episteme» (معرفت) و «S» (نظریه یا تبیین) که دو واژه یونانی هستند تشکیل شده است (موزر و تروت، ۱۳۸۷: ۱۹). معرفت شناسی، دانشی است که به بررسی موضوعاتی مانند تعریف معرفت، امکان دستیابی به آن، انواع مختلف معرفت، روش ها و ابزارهای کسب معرفت، معیارهای صدق و درستی معرفت، و همچنین معیارهای توجیه و اعتبار انواع معرفت ها می پردازد (مصباح یزدی، ۱۳۶۴: ۸۸). به عبارت دیگر معرفت شناسی، حوزه ای را دربرمی گیرد که به سؤالات و مفروضاتی در مورد منابع کسب معرفت و انواع معرفت پاسخ می دهد (پارمحمدیان، ۱۳۸۶: ص ۲۵). در نتیجه چگونگی سازمان دهی، فرصت های یادگیری و راهبردهای تربیتی و آموزشی تحت الشعاع این حوزه قرار می گیرد (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳).

در توصیف کلی معرفت شناسی را می توان این گونه تعریف کرد: شاخه ای از فلسفه است که به ارزشیابی معرفت بشری، حدود، مبانی و ابزار، مبادی و میزان اعتماد به آن می پردازد. بنابراین معرفت شناسی شاخه ای از فلسفه است که به دنبال نظریه چستی معرفت و راههای حصول آن می باشد. به عبارت دیگر، این علم به طرح و پاسخ گویی به مجموعه ای از پرسش های فلسفی درباره شناخت می پردازد. پرسش هایی مانند ماهیت شناخت، امکان پذیری آن، روش های کسب شناخت، محدودیت های شناخت و معیار تشخیص صدق و کذب از جمله اساسی ترین مباحث مطرح در این حوزه هستند (بهشتی، ۱۳۸۹: ۱۶۲).

مبانی معرفت‌شناختی

منظور از مبانی معرفت‌شناختی در اینجا، مبانی معرفت‌شناسی شامل مفاهیم یا گزاره‌های توصیفی ناظر به شناخت‌های لازم برای تربیت معنوی است که از متون اسلامی استخراج می‌شود (بهشتی، ۱۳۸۹: ص ۳۰). بر اساس روال معمول در مباحث فلسفی معاصر و با توجه به اهمیت ویژه معرفت‌شناسی در تبیین فلسفه تربیت، مبانی مرتبط با این حوزه از مبانی کلی انسان‌شناسی جدا شده و به‌طور خاص مورد بررسی قرار گرفته است (مبانی نظری تحول‌بنیادین، ۱۳۹۰: ۷۳). به این ترتیب، مبانی معرفت‌شناختی اساسی‌ترین جهت‌گیری در نظام‌های آموزشی به‌شمار می‌رود و دانش «معرفت‌شناسی» به بررسی علم، معرفت، مبادی، اصول، آثار و پیامدهای آن می‌پردازد (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸).

تربیت: به لحاظ لغوی تربیت واژه‌ای عربی از ریشه ربو به معنای فزونی و نمو است (ابن منظور، ۱۴۱۰: ۱۲۶). ولی برخی گفته‌اند که اصل این واژه از ریشه رب با تشدید باء یعنی از ربب گرفته شده و از همین رو هم معنای ربوبیت است. رب، در اصل به معنای تربیت است و آن به معنای بوجود آوردن چیزی از حالتی به حالتی دیگر تا اینکه به حد کمال برسد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ۳۳۶). بنابراین رب به معنی پروراندن، پرورش دادن، افزون کردن، مالک بودن، مهتری کردن، نیکو گردانیدن، تمام و کامل آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه). در اصلاح نیز در تعریف تربیت می‌توان می‌توان تربیت را به‌عنوان یک فعالیت هدفمند و تعاملی بین مربی و متربی تعریف کرد که هدف آن کمک به متربی برای تحقق بخشیدن به توانایی‌هایش و رشد شخصیت او در جنبه‌های مختلف فردی، اجتماعی، جسمی، عاطفی، اخلاقی و عقلانی است (بناری، ۱۳۸۵: ۳۲).

معنویت: معنویت به‌عنوان یک حالت روحانی تعریف می‌شود که در نتیجه ارتباط انسان با عالم معنا و خدای متعال از مسیر عبودیت و بندگی و با تکیه بر مبانی معرفت‌شناختی و احکام اسلامی، همچنین ارزش‌های اخلاقی اسلام، برای رسیدن به بالاترین سطح قرب الهی، قلب سلیم و حیات طیبه شکل می‌گیرد. از این منظر، انسان معنوی دارای ویژگی‌هایی نظیر احساس فقر و نیاز به خدا، اعتقاد به وجود و یگانگی خداوند، ایمان به عالم غیب، باور به معاد، اعتقاد به هدفمندی آفرینش، باور به اختیار انسان، خودشناسی، شناخت احکام دینی و پایبندی به آنها، و شناخت ارزش‌های اخلاقی و تعهد به عمل به آنهاست. همچنین معنویت اسلامی دارای چهار بعد معرفتی، عاطفی،

ارادی و کنشی است (رضایت، غلامعلی و رضایت، ۱۴۰۱: ۲۳۹). معنویت در اسلام به عنوان مسیری همه‌جانبه در نظر گرفته می‌شود که فرد را در تمامی ابعاد زندگی، اعم از شناخت، احساسات، اراده و عمل، به سوی کمال و نزدیکی به خداوند هدایت می‌کند. این نوع معنویت فرد را نه تنها در مسیر رشد شخصی بلکه در سازندگی اجتماعی نیز مؤثر می‌سازد.

تربیت معنوی: تربیت معنوی، تربیتی خداگرا، خدانگرا، خدامحور و اصلاح‌کننده رابطه انسان با خالق عالم است. در واقع هدف تربیت معنوی این است که انسان روابط خود را با خداوند، جهان زندگی دنیا و آخرت شکل دهد و طبق همان شکلی که فلسفه جامع اسلامی از خالق، انسان، جهان و زندگی دنیوی و اخروی تعیین کرده است، قدم بردارد. بر این اساس، وقتی در پرتو این رویکرد، رابطه انسان نسبت به خالق خود، در مسیر صحیح قرار گرفت و زندگی او رنگ و بوی الهی پیدا کرد، می‌توان گفت تربیت واقعی صورت گرفته است (انتظامی‌بیان و احقر، ۱۳۹۴: ۵۱).

می‌توان گفت تربیت معنوی جریان تعاملی، مستمر و تدریجی رشد جامع و جاودانه استعدادها، اصلاح و استکمال نفس، تعدیل قوا و تنظیم تعاملات و رفتارها به منظور تحقق شایستگی‌های مکتب است. در این تعریف، جریان تعاملی به علل فاعلی اشاره دارد، استعدادها همان علت درونی هستند که باید فعلیت پیدا کنند، رشد، اصلاح و استکمال نفس، تعدیل قوا و تنظیم و تعاملات و رفتارها به فرآیندهای اصلی تأکید دارد، شایستگی‌های مورد انتظار بیانگر علل صوری تربیت هستند، عبودیت و بندگی، رسالت و غایی را بیان می‌کنند، اسلام ناب نیز جهت‌گیری و محتوای تربیت را مشخص می‌سازد، مستمر، تدریجی، جامع و جاودانه ویژگی جریان تربیت را اعلام می‌کند.

دانشگاه تمدن‌ساز: واژه «دانشگاه تمدن‌ساز» مفهوم اختیار شده برای نمایاندن تمام عیار الزامات سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در حوزه آموزش عالی کشور است. پژوهشگران با ترکیب دانشگاه، تمدن و اسلام، اصطلاح دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی را به کار می‌برند. دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی با توجه به نقش دانشگاه در ارتباط با نیازها و حل مسائل جامعه و حفظ و تقویت هویت ایرانی اسلامی بین کارکردهای مختلف دانشگاه از حیث تمدن‌سازی تعادل ایجاد می‌کند. در نتیجه، دانشگاه تمدن‌ساز دانشگاهی است که نقش کلیدی در ایجاد و توسعه گفتمان‌های جدید ایفا می‌کند و به‌طور فعال به ابهامات و چالش‌های مرتبط با هویت، فرهنگ و

تمدن که تحت تأثیر تغییرات سریع بین‌المللی و تحولات داخلی در عصر جهانی شدن به وجود آمده‌اند، پاسخ می‌دهد (خرمشاد و آدمی، ۱۳۸۸: ۱۸۰). این دانشگاه نه تنها به انتقال دانش علمی می‌پردازد، بلکه فضایی برای بررسی و تحلیل مسائل عمیق هویتی و فرهنگی فراهم می‌کند. هدف اصلی آن، ایجاد بینشی روشن برای دانشجویان و جامعه در مواجهه با تحولات جهانی و محلی است، به گونه‌ای که بتوانند با درک بهتر از گذشته و حال، نقش مؤثری در ساختن آینده‌ای تمدنی و متعالی ایفا کنند.

رابطه تربیت و معنویت

میان تربیت و معنویت یک پیوند ذاتی و ناگسستنی وجود دارد. در فرآیند تربیت، تمامی فعالیت‌ها باید از طریق دعا، نیایش و توجه به خداوند معنا پیدا کنند تا بتوان به اهداف والای تربیتی دست یافت. این ارتباط چنان عمیق است که اگر فردی برخی از ارزش‌های انسانی مورد تایید اسلام را در خود پرورش دهد، به‌طور طبیعی به سمت معنویت الهی حرکت خواهد کرد. به عبارت دیگر، معنویت و تربیت به گونه‌ای درهم تنیده‌اند که بدون حضور معنویت، تربیت به نتیجه کامل نمی‌رسد.

کسی که به تربیت اسلامی علاقه‌مند است، چه در زمینه تربیت خود، فرزندان یا دیگران، باید به اهمیت دعا، نیایش و عبادت توجه ویژه‌ای داشته باشد. دعا و عبادت نه تنها ارتباط فرد با خداوند را تقویت می‌کند، بلکه به‌عنوان نیروی درونی به او کمک می‌کند تا در مسیر تربیتی پایدار بماند و اهداف تربیتی خود را به سوی تعالی و کمال سوق دهد. این تأکید بر نیایش و عبادت در تربیت اسلامی به این دلیل است که معنویت نیرویی است که انسان را از درون می‌سازد و او را در برابر چالش‌ها و مشکلات تربیتی مقاوم‌تر می‌سازد (مطهری، ۱۳۷۴: ۳۴۱) در حقیقت، بدون توجه به معنویت، تربیت به یک فرآیند صرفاً ظاهری و سطحی تبدیل می‌شود، در حالی که معنویت به تربیت عمق و معنا می‌بخشد و باعث می‌شود فرد به ارزش‌های والاتر دست یابد و در مسیر رشد معنوی گام بردارد. به همین دلیل، هر نوع تربیتی که بخواهد بر پایه اصول اسلامی بنا شود، باید با محوریت دعا، نیایش و ارتباط با خداوند انجام شود تا بتواند تأثیرات عمیق و پایداری در فرد ایجاد کند.

اعمال و رفتار انسان دارای دو جنبه ظاهری و باطنی است. ممکن است دو نفر یک عمل مشابه را انجام دهند، اما یکی از آنها این کار را با هدفی دنیوی انجام دهد و دیگری همان کار را برای رضای خداوند انجام دهد. در این حالت، عمل فرد دوم دارای باطنی الهی و آمیخته با معنویت است و به همین دلیل از ارزش و جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌شود. (ملکی، ۱۳۸۳: ۱۰۳).

حضرت امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: پیامبران آمده‌اند تا ما را به تدریج از عالم طبیعت تربیت کنند و آن بخش‌هایی از تربیت معنوی را که باید از طریق وحی الهی به ما منتقل شود، به ما بیاموزند. زیرا اگر پیامبران نباشند، انسان تنها در محدوده طبیعت باقی می‌ماند و چیزی فراتر از آن را درک نمی‌کند. وظیفه انبیا این است که ما را به عوالم بالاتر هدایت کنند و به تقویت ما پردازند، تا زمانی که از این دنیا به عالم دیگری منتقل شویم، زندگی ما در آن جهان نیز سعادت‌مند و موفق باشد (خمینی، ۱۳۸۵: جلد ۱۴، ۱۵۳).

تربیت و معنویت در دانشگاه از جمله مهم‌ترین ابعاد آموزشی است که نه تنها بر رشد علمی دانشجویان تأثیر می‌گذارد، بلکه به توسعه همه‌جانبه شخصیتی و اخلاقی آنان نیز کمک می‌کند. دانشگاه به عنوان یک نهاد آموزشی، باید محیطی را فراهم کند که علاوه بر ارتقای دانش و مهارت‌های علمی، به تربیت اخلاقی، معنوی و اجتماعی دانشجویان توجه داشته باشد. تربیت معنوی در دانشگاه به معنای تقویت ارتباط دانشجویان با مفاهیم متعالی همچون اخلاق، عدالت، صداقت و مسئولیت‌پذیری است. این نوع تربیت به دانشجویان کمک می‌کند تا علاوه بر کسب دانش فنی و تخصصی، ارزش‌های معنوی و اخلاقی را در زندگی شخصی و حرفه‌ای خود به کار گیرند. دانشجویانی که با اصول معنوی و اخلاقی تربیت می‌شوند، نه تنها به خودسازی فردی مشغول می‌شوند، بلکه نقش مهمی در ایجاد و تقویت جامعه‌ای اخلاق‌مدار و پیشرو دارند.

پیشینه پژوهش

پیشینه این موضوع شامل مقالات و تحقیقات متعددی است که در این زمینه انجام شده‌اند. در ادامه، به طور مختصر به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

پژوهش‌نجان طوسی و همکاران (۱۳۹۶) تأکید می‌کند که مسئله دانشگاه و ساختن نظام مطلوب دانشگاهی یکی از اولین و مهم‌ترین دغدغه‌ها از ابتدای انقلاب بوده و با مراجعه به اندیشه‌های رهبران انقلاب اسلامی، الگوی دانشگاه مطلوب انقلاب اسلامی را ارائه می‌نماید.

ابراهیمی و علوی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «شناخت‌شناسی در قرآن و دلالت‌های تربیتی آن» به طور جامع به بررسی ابعاد مختلف شناخت از دیدگاه قرآن پرداخته‌اند. آنها منابع شناخت را شامل آیات آفاقی و انفسی، تاریخ و مکاشفه معرفی کرده‌اند که هر یک به نوعی به درک و شناخت انسان از جهان و خود او کمک می‌کنند. علاوه بر این، ابزارهای شناخت نظیر «حواس و قلب» را مورد بررسی قرار داده‌اند که هر دو در فرآیند شناخت نقش مهمی ایفا می‌کنند. این پژوهش همچنین به موانع شناخت، از جمله عدم حمایت از جبهه حق، دنیاپرستی و گناه اشاره می‌کند که می‌تواند مانع از درک صحیح انسان شود. در پایان، نویسندگان به دلالت‌های تربیتی این مباحث پرداخته و به بررسی روش‌های تربیتی و محتوای آموزشی متناسب با این نوع شناخت‌شناسی قرآنی پرداخته‌اند. این مقاله تلاش دارد تا با تکیه بر اصول قرآنی، رویکردهای تربیتی مؤثر را برای تقویت شناخت و معنویت در آموزش ارائه دهد.

بهشتی (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «کاوش‌هایی در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی بر مبنای دیدگاه‌های معرفت‌شناختی صدرالمتهلین»، به بررسی برخی از نظریات صدرالمتهلین در باب معرفت‌شناسی پرداخته است. این دیدگاه‌ها شامل بدیهی بودن علم، وجودی بودن علم، اتحاد وجودی علم و عالم، و تجرد علم است. در نهایت، وی دلالت‌های تربیتی این دیدگاه‌ها را در قالب اصولی همچون جهت‌دهی حرکت فکری مترقی از کثرت به وحدت، انتخاب مواد درسی بر اساس تعالی وجودی، و توسعه رویکرد معناگرا به جای ماده‌انگارانه استنباط و طبقه‌بندی کرده است.

خرمشاد و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «انقلاب اسلامی، انقلاب تمدن‌ساز؛ دانشگاه ایرانی، دانشگاه تمدن‌ساز» به این موضوع پرداخته‌اند که دانشگاه به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مراکز علم و فرهنگ، وظیفه تولید و ترویج دانش و معرفت را بر عهده دارد. آنان تأکید می‌کنند که دانشگاه‌ها نقشی حیاتی در شکل‌گیری و رشد تمدن‌ها ایفا می‌کنند، تا حدی که می‌توان گفت دانشگاه‌ها ستون‌های اصلی هر تمدنی هستند و بدون حضور آنها، تمدنی پایدار نخواهد بود. در

عصر جدید، کارکرد دانشگاه‌ها تنها به آموزش و پژوهش محدود نمی‌شود؛ بلکه به‌عنوان پایگاه‌های معرفتی، نقشی کلیدی در فرهنگ‌سازی و تمدن‌سازی ایفا می‌کنند.

موسوی (۱۳۷۹) در تحلیل خود از دیدگاه امام خمینی درباره نقش و اهمیت دانشگاه‌ها، بیان می‌کند که دانشگاه‌ها دو وظیفه اساسی بر عهده دارند: نخست، تربیت و اصلاح انسان‌ها از لحاظ اخلاقی و معنوی، و دوم، تربیت دانشمندان و متخصصان در حوزه‌های علمی و فنی. از نگاه امام خمینی، دانشگاه‌ها نه تنها مکانی برای تولید علم و دانش تخصصی هستند، بلکه نهادهایی تربیتی‌اند که وظیفه دارند انسان‌هایی با اخلاق و ارزش‌های اسلامی پرورش دهند تا بتوانند در کنار تخصص علمی، به تعالی معنوی و اجتماعی جامعه کمک کنند. به این ترتیب، دانشگاه‌ها نقشی دوگانه در رشد فردی و اجتماعی ایفا می‌کنند، هم در تربیت متخصصان و هم در پرورش انسان‌هایی با بینش اخلاقی و معنوی.

حبیبی (۱۳۷۸) نیز از دریچه «دانشگاه اسلامی»، دانشگاه مطلوب امام خمینی را توصیف نموده، دانشگاهی که در آن تعلیم با تربیت، علم‌آموزی با تهذیب نفس و خروجی آن یک متخصص آراسته به فضائل اخلاقی است. از منظر داوری و سلیمی (۱۳۷۸)، تأکید امام خمینی بر اسلامی کردن دانشگاه‌ها، مبتنی بر نظریه‌ای تاریخی در خصوص علل انحراف و ناکارآمدی نظام پیشین دانشگاهی ایران است؛ و از منظر ایشان دانشگاه پیراسته از آثار منفی و آراسته به استقلال، خودکفایی، آزادی و دیانت، «دانشگاه اسلامی و ملی» و نقطه مقابل چنین دانشگاهی نیز «دانشگاه استعماری» نامیده می‌شود.

بنابراین همانگونه که بررسی شد تاکنون پژوهشی به احصاء مبانی معرفت‌شناختی تربیت معنوی در اندیشه امامین انقلاب اسلامی برای تحقق دانشگاه تمدن‌ساز نپرداخته است و این پژوهش کاملاً بدیع بوده و به این شکل در سابقه ندارد. مزیت این پژوهش نسبت به برخی دیگر از پژوهش‌های دیگر این است که این پژوهش این مبانی را در تحقق دانشگاه تمدن‌ساز مورد بررسی قرار می‌دهد.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش حاضر از روش تحلیل محتوا استفاده شد. تحلیل محتوا، روش پژوهش و ابزار تحلیلی است که به صورت کاربردی و سودمند در طیف گسترده‌ای برای تحلیل شکل‌های مختلف ارتباطات به کار می‌رود. در تحلیل محتوا، عناصر و مطالب مورد نظر گردآوری و طبقه‌بندی می‌شود و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. این عناصر ممکن است کلمه‌ها، جمله‌ها، بندها، یا متن‌های کامل در آثار مکتوب یا شفاهی باشد» (ابوالمعالی‌الحسینی، ۱۳۹۲: ص ۶۷). در واقع، روش تحلیل محتوا به عنوان یکی از روش‌هایی که امروزه در علوم اجتماعی و خارج از آن کاربرد فراوانی یافته است، در ساده‌ترین شکل، به بیرون کشیدن مفاهیم مورد نیاز پژوهش از متن مورد مطالعه می‌پردازد؛ مفاهیمی که در قالب مقولاتی منظم، سامان می‌یابند. دو منطق بنیادی استقرا و قیاس که حرکت از کل به جزء و بالعکس را بنیان خود قرار داده‌اند، اساس بسیاری از گونه‌های روش تحلیل محتوا را به سان دیگر رهیافت‌های پژوهشی پی‌ریزی کرده‌اند (تبریزی، ۱۳۹۱).

روش گردآوری داده‌ها نیز به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی و با مراجعه به منابع دست اول بود و محتوای به دست آمده با استفاده از کتب و همچنین نرم افزارهایی که به جمع‌آوری سخنان امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری پرداخته‌اند گردآوری شد.

یافته‌های پژوهش

معرفت‌شناسی تربیت معنوی در دیدگاه امامین انقلاب اسلامی، فراتر از فهم صرف نظری و دانش علمی، به تجربه و حضور قلبی انسان در ارتباط با حقایق الهی و معنوی می‌پردازد. امام خمینی (ره) تربیت معنوی را فرآیندی می‌داند که در آن انسان به تزکیه نفس، تقویت ایمان و کسب معرفتی عمیق و توحیدی دست می‌یابد و این معرفت، اساس تحول وجودی و اخلاقی فرد را شکل می‌دهد (موسوی خمینی، ج ۱۶، ص ۲۲۹). این رویکرد معرفت‌شناختی، معرفتی است که در آن علم و ایمان، عقل و وحی، دانش و اخلاق در پیوندی عمیق قرار دارند و تربیت معنوی را به عنوان زیربنای رشد انسان کامل و جامع تعریف می‌کند.

امام خامنه‌ای نیز بر اهمیت این نوع معرفت در دیدار اساتید و نخبگان دانشگاهی تأکید کرده و آن را معرفتی می‌داند که «انسان را از جهل و گمراهی نجات می‌دهد و زمینه‌ساز شکل‌گیری تمدنی الهی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۰۸/۲۰). از این منظر، معرفت‌شناسی تربیت معنوی، نه تنها به افزایش دانش نظری بلکه به پویایی در عمل و تزکیه نفس منجر می‌شود و انسان را برای ایفای نقش تمدن‌سازانه در جامعه آماده می‌کند. از این رو در تحقق دانشگاه تمدن‌ساز، این نوع معرفت‌شناسی اهمیت فراوانی دارد، زیرا دانشگاهی که مبتنی بر تربیت معنوی و معرفتی عمیق باشد، می‌تواند نسل‌هایی تربیت کند که با تعهد و بصیرت، در مسیر تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی و ساخت تمدن نوین اسلامی گام بردارند. این دانشگاه، نه فقط تولیدکننده علم، بلکه پرورش‌دهنده انسان‌هایی است که در سایه معرفت معنوی، توانایی مقابله با چالش‌های پیچیده فرهنگی و اجتماعی را دارند و می‌توانند منشأ تحولات بنیادین در جامعه باشند. اگرچه در آثار این دو بزرگوار، بحث مستقلی درباره معرفت‌شناسی وجود ندارد، اما نکات مربوط به این حوزه از میان نوشته‌ها و گفتارهای ایشان قابل استخراج است.

چیستی معرفت

حضرت امام خمینی (ره) در خصوص چیستی معرفت می نویسد: حقیقت معرفت همانا وجودی است مجرد از ماده، و هرگونه اندیشه، از ماده منزّه است و به احکام ماده مکوم نخواهد شد (موسوی خمینی، ۱۳۶۱: ج ۲۱، ص ۲۲۰). این تعریف حضرت امام (ره) نشان می دهد که جنس معرفت مادی نیست و از نوع معنوی است. به بیان دیگر «منظور از مبانی معرفت شناختی، بخشی از گزاره‌های توصیفی و تبیینی درباره‌ی شناخت آدمی و حدود و ثغور آن است.» (صادق‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۷).

مناط صدق معرفت

حضرت امام خمینی (ره) در تعریف و تحقق معرفت، «حضور ماهیت معلوم نزد عالم» را ملاک و مناط اصلی صدق معرفت می دانند. این نوع معرفت است که در مبانی تربیت معنوی مورد طلب و عشق فطرت قرار می گیرد نه علم به کلیات مفهومیه حتی علم توحیدی. حضرت امام (ره) بیان می دارند که پس جمیع علوم جزئی و کلیه مفهومیه، مورد عشق فطرت نخواهد بود، حتی علم بالله و شئون ذاتیه و صفاتیه افعالیه، بلکه مورد علاقه و عشق فطرت، معرفت به حضور مشاهده‌ی حضوره است که رفع حجب حاصل شود (خمینی، ۱۳۸۱: ص ۶۲).

امکان کسب معرفت

یکی از مهم‌ترین مسائل در معرفت‌شناسی، پرسش از امکان کسب معرفت است؛ یعنی اینکه آیا انسان به‌راستی توانایی رسیدن به معرفت و شناخت دارد یا نه. از نگاه تربیت معنوی، این مسئله نه تنها یک پرسش فلسفی، بلکه نقطه آغاز رشد و تحول درونی انسان است.

در دیدگاه امامین انقلاب، به عنوان دو متفکری که مبانی خود را از دین مبین اسلام گرفته اند؛ جهان هستی قابل شناخت است و انسان از سوی خداوند توانایی درک و فهم آن را دریافت کرده است. دعوت حق به شناخت، با اشاره به پدیده‌های آفاقی و انفسی، نشان از این دارد که قدرت بشر برای شناخت ابعاد مختلف هستی وجود دارد. همچنین ایشان اشاره می‌کنند که توجه و اشاره قرآن به علم انسان و همچنین تعلیم بشر توسط خدا، دلالت بر این امکان دارد.

بنابراین با توجه به مبانی دینی، امکان شناخت از دیدگاه امامین انقلاب اسلامی امری پذیرفته شده است. بر این اساس، در عرصه تربیت نیز امکان شناخت پدیده‌های معنوی وجود دارد. تأکید امام خامنه‌ای بر «بصیرت»، بیانگر پذیرش امکان شناخت مسائل از سوی ایشان است. در صورتی که امکان شناخت مقدور نباشد، توصیه به شناخت و بصیرت معنا پیدا نمی‌کند. بر همین اساس، امام خامنه‌ای می‌فرماید: بصیرت پیدا کردن کار سختی نیست و هرکسی می‌تواند با کنار زدن موانع و نگاه مدبرانه، واقعیت را پیدا کند: «بصیرت پیدا کردن، کار سختی نیست. بصیرت پیدا کردن همین اندازه لازم دارد که انسان اسیر دام‌های گوناگون، از دشمنی‌ها، هوی و هوس‌ها و پیش‌داوری‌های گوناگون نشود. انسان همین قدر نگاه کند و تدبیر کند، می‌تواند واقعیت را پیدا کند. مطالبه بصیرت، مطالبه همین تدبیر است؛ مطالبه همین نگاه کردن است؛ مطالبه چیز بیشتری نیست. و به این ترتیب می‌شود فهمید که بصیرت پیدا کردن، کار همه است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۸/۰۳). استفاده امام خامنه‌ای از مفاهیمی مانند بصیرت، تدبیر و تفکر که دلالت بر امکان شناخت دارد. بیانگر دیدگاه ایشان در باره امکان شناخت است.

از دیدگاه امامین انقلاب اسلامی، کسب معرفت حقیقی و پایدار زمانی ممکن است که بر پایه گزاره‌های معنوی استوار باشد. معنویت، زیربنای رشد انسانی و شاخصه اصلی تربیت متعالی است که زمینه‌ساز تحقق دانشگاهی تمدن‌ساز می‌شود. امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری همواره بر ضرورت پیوند علم و معنویت تأکید کرده‌اند و دانشگاه را نهادی دانسته‌اند که باید در آن انسان‌هایی تربیت شوند که نه تنها دانشمند، بلکه صاحب معرفتی عمیق و اخلاقی باشند. حضرت امام خمینی (ره) در این خصوص می‌فرماید: با علم است که انسان می‌تواند تأمین سعادت دنیا و آخرت را بکند. با آموزش است که انسان می‌تواند تربیت کند جوان‌ها را به طوری که مصالح دنیا و آخرت خودشان را خودشان حفظ کنند. اگر کشور ما علم را بیاموزد، ادب بیاموزد، جهت‌یابی علم و عمل را بیاموزد، هیچ قدرتی نمی‌تواند بر او حکومت کند (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ج ۱۳، ص ۴۵۱).

در جایی دیگر امام خمینی (ره) تأکید دارند که دانشگاه باید محلی برای «تربیت انسان کامل» باشد؛ انسانی که علاوه بر کسب علوم، از معرفت معنوی و اخلاقی برخوردار است و بر پایه ایمان به خدا و تقوا ساخته می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ج ۲۱، ص ۳۵). ایشان معتقدند که بدون تربیت معنوی، دانش صرفاً علمی، نمی‌تواند جامعه را به سوی تمدن نوین اسلامی هدایت کند. از این رو، کسب معرفت واقعی و پایدار تنها از طریق تربیت معنوی که در اندیشه امامین انقلاب اسلامی محوریت دارد، امکان‌پذیر است و این رویکرد، لازمه تحقق دانشگاهی تمدن‌ساز است.

ضرورت کسب معرفت

مکتب و ایدئولوژی بر پایه جهان‌بینی است و جهان‌بینی بر پایه شناخت. از اینجا انسان به اهمیت مسئله شناخت پی می‌برد (مطهری، ۱۳۶۸: ص ۱۶). بنابراین تا مسائل شناخت‌شناسی حل نشود، نوبت به بررسی هستی‌شناسی نمی‌رسد (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۷۴۱).

امام خامنه ای در کتاب چهل حدیث از امامین صادقین در توضیح حدیث « أَكْثَرُ النَّاسِ قِيَمَةٌ أَكْثَرُهُمْ عِلْمًا ، وَ أَقَلُّ النَّاسِ قِيَمَةً أَقَلُّهُمْ عِلْمًا » اشاره می کنند که این روایت بر ضرورت کسب معرفت و دانش تأکید می کند و بیان می دارد که معیار ارزش انسان به میزان علم اوست. افراد با دانش بیشتر، با ارزش تر و کسانی که دانش کمتری دارند، کم ارزش تر، پرانده تر و دارای آرامش کمتری هستند. در ادامه توضیح داده شده که این مطلب به معنای نادیده گرفتن تقوا و عمل صالح نیست، بلکه در شرایط یکسان از نظر فضایل اخلاقی، فرد عالم برتری دارد (خامنه ای، ۱۳۹۸: ۲۰). توضیحات فوق، بیانگر ضرورت کسب معرفت، در نزد امامین انقلاب اسلامی است.

ابزار های کسب معرفت

تربیت معنوی، به عنوان یکی از ابعاد بنیادین تربیت انسانی در منظومه معرفتی اسلام، مستلزم تکیه بر منابع معتبر شناخت است. بدون تبیین صحیح منابع معرفت، نمی توان از تربیت معنوی به مثابه فرآیندی عقلانی، هدفمند و تمدن ساز سخن گفت. از دیدگاه امام خمینی (ره) و امام خامنه ای، تربیت معنوی، نه صرفاً امری احساسی یا عاطفی، بلکه فرآیندی معرفتی - وجودی است که در آن انسان با اتکا به ابزار های عقل، قلب، وحی، سنت و حس، مسیر رشد، تعالی و مسئولیت تمدنی خود را بازمی شناسد و در آن گام برمی دارد.

۱- عقل

در اندیشه امام خمینی (ره)، عقل، حجت باطنی انسان و ابزار تشخیص و تحلیل معارف الهی است. ایشان عقل را مکمل وحی می دانند، نه بدیل آن؛ چراکه عقل در مسیر شناخت، نیازمند نور وحی است تا از لغزش در امان بماند. از دیدگاه حضرت امام (ره) انسان وظیفه دارد که عقل خود را به کار اندازد و از این سرمایه گران بها در راه رسیدن به حقیقت بهره گیرد. حس هم در خدمت عقل است. امام خمینی به ازای هر یک از منابع، از عوالم شناختی گوناگون، عالم محسوس و عالم تعقل نام برده اند (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ج ۸: ۴۳۴).

در اندیشه امام خامنه‌ای، بکارگیری عقل از جایگاه خاصی برخوردار است و در تربیت جوامع سیاسی مهم‌ترین مسئله را به کارگیری خرد می‌دانند و اولین مسئله پیمبران را نیز فعال‌سازی خرد انسان‌ها می‌شمارند و به گونه‌ای که بر اساس کلام الهی، «لو کنا نسمع او نعقل ما کنا فی اصحاب السعیر» (ملک: ۱۰)؛ علت خسران ابدی انسان، عدم بهره‌گیری از این منبع الهی است؛ و اساس مشکلات بشر، بی‌عقلی است. ایشان در ضمن نقل حدیث معروف پیامبر (ص) «انّ العقل عقلان من الجهل»؛ عقل عقالت جهل است. بیان می‌نمایند که با تفکر و افزایش آگاهی از این جهالت می‌شود رها گشت... (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۴/۲۹)

در اندیشه امام خامنه‌ای، اسلام با «عقلانیت» و «معنویت» تعریف می‌شود و این دو عنصر به‌طور هم‌زمان محقق می‌شوند و از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند. عقلانیت یکی از پایه‌های اصلی جامعه اسلامی به شمار می‌رود و در کنار ایمان، مجاهدت و عزت قرار دارد. در فرآیند جامعه‌سازی اسلامی، معنویت روح کار، عقلانیت ابزار اصلی آن و عدالت به‌عنوان ارزش‌گذار و جهت‌دهنده فعالیت‌ها در نظام اسلامی عمل می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۵/۲۵). بنابراین روشن است هر فردی که بتواند حجاب‌های عقل را کنار بزند و از ظرفیت عقل، در پیش‌روندگی اهداف خود استفاده کند، به سازندگی معنوی و مادی فزون‌تری دست‌یافته و زمینه‌ساز تحول در جامعه و شکل‌گیری تمدن را تحقق می‌بخشد.

امام خامنه‌ای با تأکید بر نقش عقل در شناخت معارف، یادآور می‌شوند که عقل، به تنهایی قادر به تشخیص همه حقایق نیست و به ویژه در امور غیبی (مانند معاد، عالم ملکوت، سعادت حقیقی انسان)، محتاج هدایت وحی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۴/۲۰). ایشان در تبیین ضعف‌های عقل در فرآیند معرفت‌یابی می‌فرمایند: «همیشه به این صورت نیست که عقل انسان هدایت کند؛ بلکه در مواردی نیز خطا خواهد کرد...» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۴/۲۰). از این رو، عقل در منظومه تربیت معنوی، ابزاری اصیل اما نیازمند هدایت است؛ و چنین عقلی است که می‌تواند در بستر دانشگاه، تفکر انتقادی، تحلیل عمیق و پیوند عقل و ایمان را محقق سازد.

بنابراین عقلانی بودن معرفت نقش بسیار مهمی در تحقق دانشگاه تمدن‌ساز دارد. معرفتی که بر پایه عقل استوار باشد، به معنای استفاده از نیروی استدلال و منطق برای دستیابی به دانش و حقیقت است. در یک دانشگاه تمدن‌ساز، عقلانی بودن معرفت به عنوان یک اصل اساسی، باعث پیشرفت علمی، توسعه فرهنگی و تربیت انسان‌های خردمند و آگاه می‌شود. عقلانی بودن معرفت همچنین تضمین می‌کند که علم و دانش به صورت منسجم، منظم و بر پایه تحلیل و بررسی دقیق دنبال شود.

۲- قلب

امام خمینی (ره) به قلب، به عنوان یکی از منابع مهم شناخت در تربیت معنوی توجه ویژه دارند. از نظر ایشان، قلب محل تجلی انوار الهی و حقایق باطنی است. تربیت قلب، راه رسیدن به معرفت شهودی، اخلاص، و محبت الهی است. قلب پاک شده، از حجاب‌های نفسانی رها شده و پذیرای معارف الهی می‌شود. در دانشگاه تمدن‌ساز، تربیت قلب و تهذیب نفس، در کنار تربیت عقل، نقش بنیادین دارد؛ زیرا تمدن اسلامی بر پایه انسان‌سازی استوار است، نه صرفاً توسعه صنعتی یا اقتصادی. قلب، در این مسیر، نقش تربیتی دارد؛ نقش پرورش انسان باطنی، اخلاقی و آگاه.

۳- وحی

وحی منبعی است که از طرف خداوند متعال برای انسان فرستاده شده است تا به وسیله عقل این راه را کشف کنیم؛ و از طریق انبیاء الهی به دست ما برسد و اگر وحی نبود انسان نمی‌توانست به حقایق عالم که فراتر از عقل و تجربه و شهود است دست یابد؛ و باید از این منبع شگرفت خالق ما از طریق پیامبر و اهل بیت به دست ما رسیده است بهره کافی وافی جست: واقعاً از قرآن و از سنت و از حدیث و از دعا و از متون اسلامی و از کلمات ائمه و رفتار ائمه، آن اصول و پایه‌های اصلی را اتخاذ کنید. وحی است دیگر، وحی مال خدا است؛ خدا آفریننده من و شما است. من نمی‌گویم هر چه به نام دین در دهان‌ها می‌افتد آدم قبول کند؛ نه از همان دین صحیح که با شیوه درست استنباط و به وسیله اهل و شایستگان این کار انجام می‌گیرد، استفاده شود؛ واقعاً از کتاب خدا، از سنت پیغمبر، از روش ائمه معصومین و از کلمات این‌ها استفاده بشود که ما در زمینه مسائل زنان باید چه راهبردی را اتخاذ کنیم و خطوط اساسی را از آنجا باید اتخاذ کنیم (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱/۳۱)

امام خامنه‌ای معتقدند که انسان‌ها باید در زندگی خود از وحی الهی بهره بگیرند و سعادت خود را تأمین نمایند: ما معتقدیم بایستی در مقابل این انحراف‌ها ایستاد، راه‌های زندگی را باید از اسلام و قرآن و الهام الهی و وحی الهی گرفت (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۲/۱۸). ایشان تاریخ جان‌کنونی را همان‌طور در بخش گذشته بیان کردیم در پیچ تاریخی می‌دانند و نشانه بزرگ واضح این دوران را تکیه به وحی الهی نام می‌برند: «امروز تاریخ جهان، تاریخ بشریت، بر سر یک پیچ بزرگ تاریخی است. دوران جدیدی در همه عالم دارد آغاز می‌شود. نشانه بزرگ واضح این دوران عبارت است از توجه به خدای متعال و استمداد از قدرت لایزال الهی و تکیه به وحی (خامنه‌ای ۱۳۹۰/۱۱/۱۰)

در بینش امام خامنه‌ای قرآن علاوه بر اینکه کتابی هدایتگر است بلکه عامل وحدت میان مسلمین نیز است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۴/۱۴) و تحقق این پیامدها تنها از طریق عمل و تطبیق به قرآن میسر است لذا تمام برنامه‌هایمان را باید با قرآن هماهنگ نماییم: خود را با قرآن تطبیق دهیم. اخلاق خود را، رفتار خود را، با دوستان، با معارضان و معاندان، با مستکبران، طبق برنامه قرآن تنظیم کنیم (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۱۲/۲).

قرآن منبع معرفتی است که خداوند متعال آن را وسیله هدایت بشریت قرارداد تا انسان‌ها از ظلمات اوهام، اشتباهات، خطاها و غلطها، به نور هدایت دست پیدا کنند.

۴- سنت

سنت معصومین نیز یکی از منابع اصیل شیعه در شناخت عالم و مسیر پیشرو پاسخگو مجهولات بشری است. امام خامنه‌ای بر این باورند که بدون سنت نمی‌توان معارف اسلامی را استخراج کرد. سنت شامل سه بخش قول، فعل و تقریر معصومین است و بر مبنای شیعه پیامبران اهل بیت علیه‌السلام معصوم‌اند و خطاناپذیرند و کلام آن‌ها در صورت اعتماد بر صدور از معصومین معتبر و در کنار قرآن جز منبع اصلی محسوب می‌شود.

یکی از کتب معتبر اسلامی که از سنت اهل بیت (ع) محسوب می‌شود نهج البلاغه است که به فرموده مقام معظم رهبری این کتاب حاوی مطالبی از امام علی (ع) است که انسان را متعجب و بهت‌زده می‌نماید (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۵/۲۴) و درس همیشگی بشریت است (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۵/۱۷) که حاوی معارف الهی و دینی والایی است؛ بنابراین منبعی متقن و مطمئن برای استنباط اهداف اسلامی است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۴/۵) همچنین ادعیه اهل بیت که به تعبیر امام خمینی ره قرآن صاعند، منبع معتبر والایی در شناخت حقایق عالم می‌باشند. ادعیه سرشار معارف اسلامی هستند و برای هدایت و سعادت بشر بیان شده‌اند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۳/۳) بنابراین یکی دیگر از منابع شناخت سنت معصومین است که در کنار قرآن کریم ما را به حقایق عالم و معارف والا آشنا می‌سازد و دست بشر را در زندگی روزمره تا نیل به سعادت می‌گیرد. به همین خاطر ما نیز در روابط بین‌الملل باید از این منبع اصلی نیز بهره بجوییم.

۵- حس

حس، فراگیرترین ابزار معرفت است و معمولاً به دو دسته‌ی ظاهری و باطنی تقسیم می‌شود. حواس ظاهری شناخت گسترده‌ای از جهان طبیعت برای انسان فراهم می‌کنند، اما این شناخت‌ها معمولاً حصولی و جزئی‌اند و صرفاً به عوارض و ظواهر اشیاء پیرامون ما اشاره دارند؛ آنها هرگز به عمق و ذات چیزها نفوذ نمی‌کنند و ماهیت واقعی آنها را نشان نمی‌دهند. علاوه بر این، ادراک حسی محدودیت‌های زمانی و مکانی دارد، زیرا در شرایط خاص زمانی و مکانی شکل می‌گیرد. از سوی دیگر، حواس باطنی نیز اطلاعات فراوانی به انسان می‌دهند. این حواس به درک برخی معانی و صورت‌های ذهنی کمک می‌کنند، باعث شکل‌گیری صورت‌های جدید، آفرینشگری‌های هنری و شعری می‌شوند، همچنین در یادآوری معلومات گذشته که گاهی فراموش شده‌اند نقش دارند. این‌ها از عملکردهای مهم حواس باطنی محسوب می‌شوند.

در نگاه امام خامنه‌ای، تجربه یا حس، یکی از منابع مهم معرفت است. ایشان تأکید می‌کنند که علوم تجربی برای فهم پدیده‌های مادی مناسب‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۷/۵). این تأکید، ما را به بازتعریف جایگاه علم در دانشگاه اسلامی رهنمون می‌سازد؛ علم در دانشگاه تمدن‌ساز، در کنار وحی و عقل قرار می‌گیرد و تنها زمانی کارآمد و تمدن‌ساز است که به حقیقت و غایت وجودی انسان توجه داشته باشد.

نکته‌ای که ذکر آن در اینجا لازم و بلکه ضروری است، اینکه اگر همین علوم با ایمان و دین پیوند بخورند، و در خدمت دین به کار گرفته شوند، عامل پیشرفت و رشد انسان در همه ابعاد خواهد بود. در همین جهت امام خامنه‌ای می‌فرماید: «همان اسلامی که می‌گوید به سراغ کشف منابع طبیعی و ساختن این دنیا بروید، ابزار مادی را به دست بگیرید، ذهن را مجهز به علم کنید، دنیا را، طبیعت را، ماده را و منابع را بشناسید و کشف کنید و پرورش دهید... یادآور می‌شود که این همه را برای خدا بکنید، به یاد خدا باشید، ذکر خدا را از دل بیرون نکنید، و همه این حرکات را به صورت عبادت انجام دهید» (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۰۲/۲۶).

از دیدگاه امامین انقلاب اسلامی، تربیت معنوی تنها با اتکا به ابزار های ، عقل، قلب، وحی و حس قابل تحقق است. این چهار منبع، در تعامل با یکدیگر، امکان دستیابی به معرفت توحیدی و الهی را فراهم می آورند؛ معرفتی که اساس خودسازی، جامعه سازی و در نهایت، تمدن سازی است. دانشگاه تمدن ساز نیز زمانی می تواند به تحقق آرمان های انقلاب اسلامی نائل شود که در آن، معرفت شناسی حاکم بر آموزش و پرورش، مبتنی بر این منابع باشد؛ دانشگاهی که در آن علم با وحی گره خورده، عقل با قلب پیوند دارد، و تجربه در خدمت فهمی عمیق تر از هستی و انسان قرار می گیرد. در ذیل به برخی از مبانی معرفت شناختی تربیتی معنوی در آثار امامین انقلاب اسلامی اشاره می شود:

ملاک های معرفت

معرفت از نظر کیفیت و کارکرد، می تواند بر اساس دو ملاک مهم دسته بندی شود: نافع بودن و عمیق بودن. معرفت نافع به معرفتی گفته می شود که کاربردی و سودمند باشد؛ یعنی بتواند زندگی فرد را بهبود بخشد، در حل مسائل کمک کند و انسان را به سوی رشد و کمال معنوی هدایت کند. این نوع معرفت، تنها دانستن نیست، بلکه دانشی است که موجب تغییر مثبت در رفتار و نگرش می شود. از سوی دیگر، معرفت عمیق معرفتی است که فراتر از سطحی نگری و شناخت ظاهری است و به فهم دقیق، جامع و بنیادی حقایق و واقعیات معنوی می پردازد. این نوع معرفت، شناختی است ریشه ای که باعث تحول درونی و بصیرت واقعی می شود. دسته بندی معرفت بر اساس نافع بودن و عمیق بودن، معیارهایی کلیدی برای سنجش ارزش و اهمیت دانش و شناخت انسان محسوب می شود.

۱- نافع بودن معرفت

معرفت نافع در اندیشه‌های امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای، ملاک‌های بنیادین برای تمایز میان دانشی است که واقعاً به تربیت معنوی انسان‌ها کمک می‌کند و آنچه صرفاً دانش نظری و بی‌ثمر است. این معرفت نافع، از دیدگاه آنان، دانشی است که نه تنها موجب ارتقاء فردی انسان می‌شود، بلکه به صورت فراگیر در بهبود شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه نیز نقش ایفا می‌کند و بدین ترتیب زمینه‌ساز تربیت معنوی متعالی و ساختن جامعه‌ای مبتنی بر عدالت، اخلاق و معنویت می‌گردد.

از نظر اسلام، اساسی‌ترین معیار در علومی که مربوط به امور دنیای انسان است این‌که، اولاً «در خدمت جامعه» قرار گیرند؛ چرا که امام خمینی (ره) همواره نسبت به فارغ‌التحصیلان دانشگاه که دارای تخصص‌های گوناگون بودند، توصیه می‌کردند که آن تخصص‌ها را در خدمت به کشور و نظام اسلامی به کار گیرند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۲، ص ۱۸۴). همچنین در توصیه به فرزندش می‌فرماید: «آیا می‌شود خود را از خدمت به جامعه کنار کشی و گوشه‌گیر و عابد بر طبق اهلل باشی؟ که این از صفات جاهلان است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۵۱۱). امام خامنه‌ای نیز در این خصوص می‌فرماید: تا آنجایی که شما علم و اطلاع دارید، نباید آرام و قرار داشته باشید- باید خدمت‌رسانی کنید- و این خدمت را باید برای مردم محسوس کرد (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۰۵/۱۵).

امام خمینی (ره) در تعریفی علم نافع را علمی می‌داند که انسان را از هوای نفس و صفات شیطانی دور کند و عاملی برای خاموش شدن تمایلات نفسانی باشد (موسوی خمینی، ۱۳۸۲ ص ۳۳۹). از این منظر، نافع بودن معرفت، معیار و ملاک اصلی سنجش کیفیت و ارزش دانش در فرآیند تربیت معنوی است. معرفتی که باعث رشد روح، تهذیب نفس و ارتقاء اخلاقی نشود، هرچقدر هم علمی و دقیق باشد، نمی‌تواند در تربیت معنوی اثرگذار و مؤثر باشد.

با توجه به تعریفی که مرور شد، دانشی سودمند و نافع خواهد بود که دو بعد مادی و معنوی انسان را رشد و پرورش دهد؛ به بیان دیگر، هم نیازهای مادی انسان را تأمین کند و هم نیازهای روحانی و معنوی انسان را برآورده سازد و در نهایت، انسان را در مسیر کمال قرار دهد؛ زیرا منطق اسلام این است که هر علمی که برای جامعه اسلامی مفید باشد، آموزش و آموختن آن لازم است. لذا این طور نیست که فقط آموزش دادن قرآن و علوم دینی مفید باشد، بلکه هر علمی که بتواند یک انسان عالمی را تربیت کند که برای جامعه مفید باشد، بر آموزش دادن آن نیز ثواب مترتب است (خامنه ای، ۱۳۷۴/۰۲/۱۳).

امام خامنه‌ای نیز در ادامه این مسیر، دانش را وسیله‌ای برای رسیدن به رفاه و تعالی انسان‌ها دانسته‌اند. ایشان بارها بر اهمیت دانش‌هایی تأکید کرده‌اند که به طور مستقیم در حل مشکلات واقعی جامعه مؤثرند و به بهبود شرایط زندگی انسان‌ها کمک می‌کنند. به گفته ایشان، معرفت نافع دانشی است که نه تنها در حوزه‌های علمی و فنی بلکه در تمامی جنبه‌های زندگی انسانی، از جمله اخلاق، سیاست، اقتصاد و فرهنگ کاربرد داشته باشد و به توسعه همه جانبه انسان و جامعه منجر گردد. ایشان می‌فرمایند: «این علوم و آگاهی به مفهوم دانش همراه با معنویت است؛ اسلام همواره به آموختن علم و تعلیم آن به برخوردارانی از زندگی عالمانه، پرداخته است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳۰).

از سوی دیگر، امامین انقلاب اسلامی بر این نکته تأکید دارند که معرفت واقعی و نافع باید به طور مستقیم به بهبود شرایط انسان‌ها و جامعه منجر شود و همواره با ارزش‌های اسلامی همراه باشد. این نگرش نشان‌دهنده اهمیت «عملی کردن دانش» و تمرکز بر دانش‌های کاربردی است که بتوانند به طور مستقیم در خدمت اهداف اسلامی و انسانی قرار گیرند. معرفت نافع، معرفتی است که موجب تحقق و ارتقاء معنویت فرد و جامعه گردد.

۲- عمیق بودن معرفت

در اندیشه امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای، معرفت نباید صرفاً تقلیدی و سطحی باشد، بلکه باید بر اساس تفکر عمیق و فهم دقیق استوار گردد. آنان به شدت بر استقلال فکری، نقد عقلانی و پرهیز از پیروی کورکورانه تأکید دارند، زیرا معتقدند که معرفت حقیقی و نافع، تنها از طریق تعمق و فهم ژرف حاصل می‌شود و این امر اساس تربیت معنوی را تشکیل می‌دهد. در حقیقت، از دیدگاه این دو بزرگوار، تربیت معنوی زمانی تحقق می‌یابد که فرد نه تنها به آموزه‌های دینی توجه کند، بلکه آن‌ها را با تفکر نقادانه و تعقل عمیق در زندگی شخصی و اجتماعی خود به کار گیرد.

امام خمینی (ره) در آثار متعددی، به ویژه در کتاب «تحریر الوسیله»، به ضرورت استقلال فکری و خوداتکایی در درک دین اشاره کرده‌اند. ایشان معتقد بودند که تقلید کورکورانه از دیگران، به ویژه در حوزه معرفت دینی، مانعی جدی در مسیر دستیابی به معرفت حقیقی است. به همین دلیل، دانشجویان و پژوهشگران باید فراتر از صرف تکرار آموزه‌ها و نظریات موجود بروند و با استفاده از عقل و تدبیر، به درک عمیق تری از دین و زندگی دست یابند. این فهم عمیق، زیربنای اساسی برای تربیت معنوی است که به کمال انسانی و رشد معنوی فرد منجر می‌شود.

در این راستا، امام خامنه‌ای نیز تأکید می‌کنند که دانشگاه‌ها و مراکز علمی باید به گونه‌ای عمل کنند که جوانان به جای تقلید صرف، توانایی تحلیل، استدلال و نوآوری را کسب کنند. ایشان می‌گویند: «تقلید از غرب و بیگانه، ابزار نفوذ و سلطه‌ی فرهنگی دشمن است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴). از دیدگاه ایشان، تقلید از فرهنگ غرب نه تنها محدود به استفاده از فناوری و ابزارهای رفاهی نیست، بلکه در بطن خود سبک زندگی مادی، شهوت‌آلود و گناه‌آلودی را ترویج می‌کند که هویت معنوی و دینی جامعه را تهدید می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۲۷). چنین تقلیدی، با روح تربیت معنوی که بر اخلاق، فرهنگ دینی و پیوندهای عمیق با قرآن و سنت مبتنی است، در تضاد است.

امام خامنه‌ای بر این باورند که شرط اصلی رسیدن به تمدن اسلامی نوین، پرهیز از تقلید صرف و حرکت به سوی تولید معرفت عمیق، مستقل و متکی به تفکر انتقادی است. تربیت معنوی که هدف آن پرورش انسانی با روحیه اسلامی و توانمندی حل مسائل با تعقل و ابتکار است، باید مبتنی بر این تعمق ژرف در معرفت باشد. در این مسیر، دانشجویان و پژوهشگران در دانشگاه تمدن ساز باید به جای پیروی کورکورانه، به پرسشگری، نقد علمی و تولید دانش نوین روی آورند تا معرفت عمیق و نافع تولید شود که به تعالی فردی و ساختن جامعه‌ای مبتنی بر عدالت، اخلاق و معنویت بینجامد.

از این رو، در دانشگاه تمدن‌ساز، اساس تربیت معنوی بر محور «عمیق بودن معرفت» استوار است. این عمیق بودن معرفت به معنای پیوند مستحکم دانش با معنویت و اخلاق اسلامی است تا دانشجویان نه تنها دانشمندی خیره، بلکه انسان‌هایی متعالی و تمدن‌ساز شوند که در برابر چالش‌های پیچیده فردی و اجتماعی پاسخ‌های اصیل، نوآورانه و مبتنی بر تعقل عمیق ارائه کنند. بنابراین، می‌توان گفت که تربیت معنوی به عنوان بستری برای رشد همه‌جانبه انسان در اندیشه امامین انقلاب اسلامی، بدون تعمق در معرفت و پرهیز از تقلید بی‌چون و چرا تحقق نمی‌یابد. چنین تربیتی است که می‌تواند انسان را به رشد معنوی حقیقی رسانده و در ساخت تمدن اسلامی نوین نقش آفرینی کند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۸: ۵۸۴).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به مبانی تربیت معنوی مبتنی بر اندیشه امامین انقلاب اسلامی پرداخته شد. مبانی تربیت معنوی از منظر امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری به ویژگی‌های ذاتی انسان، جهان و آفریدگار آن‌ها مرتبط است. لذا اندیشه‌های تربیتی امامین انقلاب تحت تأثیر مبانی معرفت‌شناسی آن‌ها قرار دارد. منابع معرفت‌شناسی این بزرگواران شامل عقل، وحی، حس و نقل است. امامین انقلاب اسلامی راه‌های کسب معرفت و شناخت را از طریق قرآن کریم، انبیاء (ص) و ائمه معصوم (ع) می‌دانند. حضرت امام خمینی (ره) معتقدند که انسان دارای قوای مختلفی است

که همگی برای او ضروری هستند. انسان از دو جنبه مادی و معنوی برخوردار است و در صورتی که بتواند به تعادل بین این دو بعد برسد، می‌تواند به بالاترین مقام سعادت، یعنی خلافت الهی، دست یابد. اما اگر از این مسیر منحرف شود، ممکن است به پست‌ترین درجات موجودات سقوط کند.

در نتیجه، تربیت معنوی در اندیشه امامین انقلاب اسلامی به پرورش فردی می‌پردازد که نه تنها به رشد شخصی خود توجه دارد، بلکه با توجه به روابط اجتماعی و نیازهای جامعه، به دنبال ارتقای جامعه نیز هست. این رویکرد به دنبال تحقق جامعه‌ای متعالی و مبتنی بر ارزش‌های معنوی و اخلاقی است که در آن، انسان‌ها به شناخت عمیق‌تری از خود، خدا و دیگران دست یابند. مبانی معرفتی تربیت معنوی در اندیشه امامین انقلاب اسلامی به شکلی عمیق با ایده‌های توسعه و تعالی جامعه از و در نهایت به تمدن‌سازی اسلامی گره خورده‌اند. دانشگاه‌ها به‌عنوان نهادهایی که می‌توانند با رویکرد تربیت معنوی در شکل‌گیری تمدن‌ها نقش داشته باشند، همواره جهت‌گیری خود را از مبانی معرفتی دریافت می‌کنند.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- ابراهیمی، مریم و علوی، سیدحمیدرضا (۱۳۹۵)، شناخت‌شناسی در قرآن و دلالت‌های تربیتی آن، دوفصلنامه کتاب قیم، ۶ (۱۴): ۲۷ - ۴۵.
- ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین، (۱۴۱۰ق)، لسان العرب، چاپ اول، بیروت: دار صادر.
- انتظامی بیان، نرگس و احقر، قدسی (۱۳۹۴). تبیین ماهیت تربیت معنوی و راهبردهای تحقق آن در آموزه‌های قرآنی. اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ۱۳، ۵۱-۷۰.
- باقری، خسرو؛ سجادیه، نرگس و توسلی، طیبیه (۱۳۸۹). رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بناری، علی همت (۱۳۸۵). در تکاپوی ارائه مفهومی نو از تربیت اسلامی، دو فصلنامه تربیت اسلامی سال دوم، شماره ۳ صفحات ۷ تا ۳۸.
- بهشتی، احمد (۱۳۸۴). وحيانيت و عقلانيت عرفان از دیدگاه امام خمینی رحمه‌الله، تهران: موسسه بوستان کتاب.
- بهشتی، سعید (۱۳۸۹). تأملاتی فلسفی در تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات چاپ و نشر بین الملل.

بهشتی، سعید (۱۳۸۶)، زمینه‌ای برای بازشناسی و نقادی فلسفه تعلیم و تربیت در جهان غرب، تهران: انتشارات اطلاعات.

بهشتی، سعید (۱۳۹۰)، کاوش‌هایی در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی بر مبنای شماری از دیدگاه‌های معرفت‌شناختی صدرالمতالہین، فصلنامه اندیشه نوین دینی، ش ۲۶: ۱۴۳-۱۶۴.

بهشتی، سعید؛ رشیدی، شیرین؛ کشاورز، سوسن؛ صالحی، اکبر (۱۳۹۶)، تحلیل تطبیقی بنیان‌های معرفت‌شناختی بر اساس دیدگاه‌های استاد مطهری و استاد جوادی آملی، دو فصلنامه عقل و دین، موسسه دین‌پژوهی علوی، س ۹، ش ۱۶.

بهشتی، سعید؛ ملکی، حسن؛ ویسی، غلامرضا (۱۳۹۲)، سیاست‌های حاکم بر اهداف آموزشی در معرفت‌شناسی استاد مطهری و کاربست آن در نظام جمهوری اسلامی ایران، نشریه پژوهش‌های سیاست اسلامی، س ۱، ش ۳: ۱۷۳-۱۹۶.

جمعی از پژوهشگران معاونت پژوهش و آموزش (۱۳۹۸). انقلاب عقلانی، تهران: انقلاب اسلامی. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸). مجموعه مقالات همایش تربیت دینی. قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

حبیبی، نجفقلی. (۱۳۷۸). دانشگاه اسلامی و مطلوب از نظر حضرت امام خمینی. مجموعه مقالات سمینار دانشگاه، جامعه و فرهنگ اسلامی. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران: انتشارات موسسه صہبا.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳). نرم افزار حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)، ویرایش دوم.

خامنه‌ای. (۱۳۹۴، ۲۰۸). دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری با رهبر

انقلاب. بازیابی از دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای-<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=31372>

خامنه‌ای، علی (۱۳۹۶). روشنای علم، مروی بر بیانات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی پیرامون دانش و تولید علم، به کوشش: مؤسسه فرهنگی حدیث لوح و قلم، تهران: انقلاب اسلامی.

خامنه‌ای، علی (۱۳۹۷). روشنای آینده: آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی در بیانات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)، گردآورنده موسی هلودی، تهران: انقلاب اسلامی.

خامنه‌ای، علی (۱۳۹۷). گام دوم؛ بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، تهران: انقلاب اسلامی.

خامنه‌ای، علی. بیانات مقام معظم رهبری. برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله

العظمی سید علی خامنه‌ای به آدرس Khamenei.ir

خسروپناه، عبدالحسین و جمعی از پژوهشگران. (۱۳۹۰). منظومه فکری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، تهران:

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- خرم‌شاد، محمدباقر و آدمی، علی (۱۳۸۸). انقلاب اسلامی، انقلاب تمدن‌ساز؛ دانشگاه ایرانی، دانشگاه تمدن‌ساز. شماره ۶، ۱۸۸-۱۶۱.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۱). تقریرات فلسفه امام خمینی (قدس سره)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۷). شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۲). شرح چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۳). تفسیر سوره حمد. تهران: مؤسسه تنظیم و انتشار آثار امام خمینی (ره)
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). آداب الصلوٰه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام: مجموعه آثار (دوره ۲۲ جلدی). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- داوری، محمد، سلیمی، علی. (۱۳۷۸). نظام آموزش عالی، دانشگاه اسلامی و امام خمینی (رحمة الله). مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی. سال سوم، شماره ۲، ۹۸-۱۱۳.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا (ج ۴ و ۹)، تهران، دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ق). مفردات الفاظ القرآن، دمشق: دارالعلم؛ بیروت: الدارالشامیه.
- رضایت، غلامحسین، غلامعلی، احمد و رضایت، فاطمه (۱۴۰۱). ماهیت معنویت اسلامی با رویکرد تربیتی. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، (۵۴) ۳۰، ۲۷۸-۲۳۹.
- زمانی محجوب، حبیب؛ مددی، سید نادر؛ گرامیان دهدشت، اعظم سادات. (۱۳۹۵). موانع برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی در موسسات آموزش عالی. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال ۲۲، شماره ۲، صص: ۱۴۹-۱۳۱.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.
- علم‌الهدی، جمیله (۱۳۹۳). نظریه اسلامی تعلیم و تربیت. تهران: منادی تربیت، دانشگاه امام صادق (ع).
- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰)، تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۴)، آموزش فلسفه، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- موزر، پل و مولدر تروت (۱۳۸۷). درامدی موضوعی بر معرفت‌شناسی معاصر، ترجمه رحمت‌الله رضایی. چاپ دوم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- موسوی، سید فضل‌الله (۱۳۷۹). جایگاه دانشگاه از دیدگاه امام خمینی (ره). نامه علوم انسانی. شماره ۱، ۱۷-۲۵.
- نبی زاده، محمد و زنگویی، اسدالله (۱۴۰۲). اثر بخشی هوش معنوی تربیت محور بر سبک رهبری تحول‌آفرین مدیران و اساتید دانشگاه. نشریه علمی پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی. سال سی و یکم، شماره ۵۹، نجاران طوسی، حامد، فاتح راد، مهدی، برزنونی، محمدعلی، حسنی آهنگر، محمدرضا، محمدی، ابوالفضل. (۱۳۹۶). الگوی دانشگاه تراز انقلاب اسلامی. فصلنامه مدیریت اسلامی، (۳) ۲۵، ۲۱-۵۲.

یارمحمدیان، محمدحسین (۱۳۸۱). اصول برنامه ریزی درسی، تهران: انتشارات یادواره کتاب.